

آشنایی با کشور سوریه

نگار نصیراحمد سید زاده
مدرس دارالعلوم زاهدان

موقعیت جغرافیایی و جمعیت

جمهوری سوریه با مساحت ۱۸۵/۱۸۰ کیلومتر مربع در جنوب غربی آسیا و شرق دریای مدیترانه واقع است. (۱)

طبق آخرین آمار رسمی، سوریه دارای جمعیتی برابر سیزده میلیون نفر است. (۱۹۹۲ م) از این تعداد بیش از ۷۰٪ به مسلمانان اهل سنت اختصاص دارد. ۱۰٪ از کل جمعیت مسیحی (شامل ارامنه) هستند. ۲٪ الی ۳ درصد از مردم سوریه شیعه دوازده امامی هستند. (۲)

سوریه از مناطق بسیار قدیمی و مسکونی آسیاست که در هزاره‌ی سوم قبل از میلاد قوم سامی در آن ساکن شده‌اند و حکومتی تشکیل دادند که تا ۱۷ ق.م بر پا بود. قسمت‌هایی از سوریه در قرون قبل از میلاد جزو فنیقیه (لبنان) بود. (۳)

پیشینه تاریخی

در سال ۶۴ قبل از میلاد پمپی سردار رومی سوریه را فتح کرد، پس از آن تا سال ۶۳۶ میلادی قسمتی از امپراطوری روم گردید، با ظهور اسلام و گسترش آن، سوریه در قرن هفتم میلادی (سال سیزدهم هجری، زمان خلافت حضرت عمر رضی الله عنه) به تصرف اعراب مسلمان در آمد، و از این تاریخ اسلام وارد سوریه کنونی شد. (۴) و بدین ترتیب این کشور که آن زمان به شام معروف بود جزو بلاد اسلامی گردید. تا سال ۷۵۰ میلادی (۱۲۷ ه) خلفای اموی در سوریه که به چهار منطقه حمص، اردن، دمشق و فلسطین تقسیم شده بود به قدرت رسیدند که دمشق را پایتخت خود قرار دادند. (۵) یا روی کار آمدن عباسیان، شام اعتبار گذشته خود را از دست داد و سوریه دارای حکومت‌های محلی گردید که مهمترین آن سلسله حمدانیان بود. طی جنگ‌های صلیبی مدتها اروپائیان بنادر و

استحکاماتی در سوریه داشتند، در اواخر قرن سیزدهم میلادی ممالیک مصر بر صلیبی‌ها پیروز شدند و سوریه جزو قلمرو مصر گردید و حکومت سلسله ممالیک مصر تا سال ۱۵۱۹ میلادی (۹۲۲ ه ق) بر آن باقی ماند، این کشور در سال ۱۵۱۶ میلادی به تصرف عثمانیان در آمد و به سه ایالت دمشق، حلب، بیروت تقسیم و در رأس هر ایالت یک پادشاه ترک قرار گرفت. (۶)

به هنگام افروخته شدن جنگ جهانی اول، سوریه جزو امپراطوری عثمانی بود و به سه استان (دمشق، حلب و بیروت) تقسیم می‌شد. (۷)

در ماه اکتبر ۱۹۱۸ ترکان از سوریه بیرون شدند، انگلیسیان از عدم رضایت عربها در برابر عثمانی بهره جستند و توده‌های عرب را در روزهای جنگ به نبرد با ترکان فراخواندند. بر پایه‌ی این نوید پوچ که پس از پایان کارزار ایشان را در بنیاد نهادن دولتی عربی و مستقل یاری خواهند کرد؛ بر خلاف این نوید نظام اشغالگر در سوریه و لبنان پس از جنگ هم برجا ماند و هر دو کشور پس از گشوده شدن به دست سربازان انگلیسی اسیر اشغال نظامی فرانسه شدند. (۸)

در پاییز ۱۹۱۹ انگلستان نیروهای رزمی خود را از سوریه و لبنان بیرون کشید و بر اثر آن شمار نیروهای فرانسه به ۷۰ هزار نفر رسید. در ژوئیه ۱۹۲۰ نیروهای رزمی فرانسه به دمشق در

- ۱- غلامرضا گلی زواره، شناخت کشورهای اسلامی، ص: ۱۳۱
- ۲- مباحث کشورها و سازمانهای بین المللی / وزارت خارجه، ص: ۵
- ۳- شناخت کشورها، ص: ۱۳۱
- ۴- مباحث کشورها، ص: ۶ ۵- مباحث کشورها...، ص: ۶
- ۶- شناخت کشورهای اسلامی، ص: ۱۳۲
- ۷- تاریخ معاصر کشورهای عربی، گروه نویسندگان آکادمی علوم شوری، ترجمه: محمد حسین روحانی، ص: ۱
- ۸- تاریخ معاصر کشورهای عربی، ترجمه: محمد حسین روحانی



آمدند تا دمشق را اشغال کنند لیکن توده‌های مردم بر آن شدند که راه را بر تجاوزکاران ببندند، در این میان صدها تن از آنها برای بستن راه دشمن به سوی پایتخت به شهادت رسیدند. در این میان فیصل تن به چیرگی امپریالیستها سپرده و شهر دمشق را بی کارزار به دشمنان وا گذاشت. (۱)

اما انقلاب ۱۹۲۵-۱۹۲۷ به استعمارگران فرانسوی فهماند که دیگر نمی‌توانند با شیوه‌های کهنه بر لبنان و سوریه فرمان برانند. (۲)

به هنگام جنگ جهانی دوم، سوریه کشوری گرفتار سرپرستی فرانسه بود؛ در دوم سپتامبر ۱۹۳۹ منطقه جنگی اعلام شد و در سرزمین‌های آن یگان‌های گشتی از ارتش فرانسه گرد هم آمدند.

در آغاز ۱۹۴۶ دولت‌های لبنان و سوریه از شورای امنیت سازمان ملل خواستند که قطعنامه‌ای صادر کند و بیرون رفتن بی درنگ بیگانه از خاک این دو کشور را خواستار شود.

انگلیس و فرانسه با همراهی ایالات متحده و با همه وسایل کوشیدند که از حل مسالمت آمیز این مسئله در شورای امنیت پیشگیری کنند با همه اینها انگلستان و فرانسه در فضای جوشش پیکار ضد امپریالیستی و در زیر فشار افکار عمومی در ماه مارس ۱۹۴۶ ناچار شدند خروج نیروهای خود از این دو کشور را بپذیرند، این کار برای مردم سوریه و لبنان که برگ نوینی در تاریخ زندگی‌شان بود و پیروزی بزرگی به شمار می‌رفت.

در ۱۷ آوریل ۱۹۴۹ آخرین سرباز بیگانه از خاک سوریه بیرون شد و از این روست که سوریه سالگرد این روز خجسته تاریخی، روز جشن استقلال میهنی را همواره گرامی می‌دارد. (۳)

به رغم رسیدن سوریه به استقلال سیاسی، این کشور همچنان آماج آزمندی‌های دولت‌های امپریالیستی و تجاوزهای گسترش جویانه ایشان باقی ماند.

نفوذ فزاینده‌ی انحصارهای آمریکایی و انگلیسی در سوریه و اوج گیری اختلافات انگلیس، فرانسه، آمریکا از سویی و بحران اقتصادی کشور، زمینه دخالت ارتش را در کارهای سیاسی فراهم آورد و از سال ۱۹۴۹ تا ۱۹۵۱ چهار کودتای نظامی در سوریه رخ داد: کودتای سرهنگ حسنی الزعیم، کودتای سرهنگ محمد ساوی الحناوی و

دو کودتای سرهنگ ادیب شیشکلی. (۴)

خودداری سوریه و دیگر کشورهای عربی از پیوستن به پیمان بغداد و ناکام ماندن تجاوزهای سه گانه انگلیسی-فرانسه - اسرائیل بر مصر، جای پای بریتانیا و فرانسه را در خاور نزدیک و میانه در پایان سال ۱۹۵۶ سست کرد و سال ۱۹۵۷ را به صورت سال تجاوز آمریکا بر کشورهای این گستره به ویژه سوریه در آورد.

به رغم فشار امپریالیستی و بر خلاف شدت یافتن فعالیت نیروهای واپسگرایی سوریه در اواخر ۱۹۵۷ پایگاه نیروهای دموکراتیک و پیشرو در درون کشور استوارتر و ریشه دارتر شده بود. آوازه حزب بعث که از دیدگاه نفوذ و خواهندگی توده‌ها از وسیع ترین حزب‌های سیاسی سوریه گشته بود باز هم فزونی یافت. (۵)

در پی گفت و گوهایی که در ژانویه ۱۹۵۸ میان فرماندهی ارتش و بعث از یک سو و جمال عبدالناصر از دیگر سو انجام گرفت، در روز نخست فوریه همان سال چنان مقرر شد که دو کشور مصر و سوریه به گونه کامل متحد شوند و جمهوری متحد عربی (ج م ع) را پدید آوردند. (۶)

مردم مصر و سوریه در همه پرسی ۱۹۵۸ بر تأسیس دولت متحد نوین صحه نهادند و جمال عبدالناصر به اتفاق آراء به عنوان رئیس جمهوری برگزیده شد. (۷)

اما این وحدت سرانجام خوبی نداشت و در ۲۸ سپتامبر ۱۹۶۱ محافل سوریه با بهره گیری از سرخوردگی مردم کشور دست به کودتای نظامی زدند و در شامگاه همان روز جدایی خود و بیرون رفتن سوریه را از ترکیب (ج م ع) اعلام کردند. (۸)

تجاوز اسرائیل به سوریه

سالهای ۱۹۶۶ و ۱۹۶۷ آغشته به توطئه‌های داخلی و خیره سری‌های اینان بود گذشته از توطئه‌های درون کشور، آشفتگی در مرزهای سوریه و اسرائیل شدت گرفت چه از ۱۹۶۶ نیروهای رزمی اسرائیل به حال آماده

۱- مرجع سابق، ص: ۶
 ۲- مرجع سابق، ص: ۹
 ۳- مرجع سابق، ص: ۱۷
 ۴- مرجع سابق، ص: ۲۳
 ۵- مرجع سابق، ص: ۲۵
 ۶- مرجع سابق، ص: ۲۷
 ۷- مرجع سابق، ص: ۲۸
 ۸- مرجع سابق، ص: ۳۷

باش در آمده بودند.

سرانجام اسرائیل آتش جنگ با سوریه و جمهوری متحد عربی و اردن را بر افروخت. کشورهای عرب روابط دیپلماتیک خود را با انگلیس و آمریکا که چرخاننده‌ی اصلی این توطئه بودند قطع کردند.

عربها در این تجاوز شکست خوردند و اسرائیل بخشی از سرزمین سوریه شامل شهر قنیطره و بلندی‌های جولان را اشغال کرد، و با اینهمه اسرائیل و نیروهای امپریالیستی انگلیس و آمریکا که پشت سر آن ایستاده بودند نتوانستند به هدفهای اساسی خود یعنی برانداختن نظام سوریه برسند.

سرانجام نیروهای حافظ اسد به کشور چیره گشت و فعالیت دولت در عرصه روابط عربی گسترش یافت.^(۱)

اهمیت استراتژیک سوریه در منطقه

در میان مناطق بزرگ تنش در سطح کره زمین منطقه‌ی مدیترانه که به طرف خاورمیانه کشیده می‌شود منطقه‌ی قابل اهمیتی تلقی می‌شود، اگر تعمق عمیقی در مناطق مختلف جهان به عمل آوریم مشاهده می‌کنیم که حادثترین مسایل در منطقه خاورمیانه وجود دارد، با اینهمه خاورمیانه فقط یک پانزدهم کمربند پیرامونی زمین را تشکیل می‌دهد، مهمترین دلیل وجود تنش (بالقوة) در این منطقه وجود رژیم نامشروع اسرائیل است که با غصب سرزمین فلسطین و توسعه طلبی روز افزون خود همواره عوامل تنش در منطقه را تقویت می‌کند.

کشورهای عربی منطقه خاورمیانه از بدو پیدایش این رژیم در حال مبارزه بوده‌اند البته این مبارزه به طور نامحسوس از دهه ۱۹۸۰ و بعد از اشغال کویت توسط عراق بطور محسوس رنگ باخته است.

در حال حاضر تنها کشور سوریه است که در منطقه عربی در مقابل توسعه طلبی این رژیم ایستادگی می‌کند.^(۲)

فعالیت احزاب و نهضت‌های آزادیبخش در سوریه

۱- حزب سوسیالیست بعث

در اینجا لازم است قبل از هر چیز به این نکته اشاره شود که قدرتهای استعماری هرگاه زیر فشار حرکت‌های

مردمی قرار گرفته و راهی برای پیشبرد اهداف استعماری خود نمی‌دیدند بناچار از مطامع و منافع استعماری خود عقب نشینی می‌کردند، اما با اینهمه هیچگاه نمی‌خواستند شاهد احیای دوباره قوانین اسلام در کشورهای اسلامی باشند، آنها همیشه سرکوبی نهضت‌های دینی را در سر لوحه کار خود قرار می‌دادند و تضعیف ارزشهای دینی را به نفع خود می‌دیدند. بنابر این هنگامی که با حرکت‌های مردمی و ضد استعماری مواجه شدند سعی نمودند ضمن پاسخگویی به احساسات ضد استعماری مردم عملاً به تقویت نهضتها و افکاری پردازند که زیر بنای مذهبی نداشته و با معیارها و شیوه‌های غربی و یا لائیک‌ی هماهنگی بیشتری داشته باشند. همین هدف در کشورهای عربی سوریه و عراق دنبال شد و جنبشهایی مجال رشد و ترقی یافتند که به قول یکی از نویسندگان خارجی بنام «زا. لویس» از همان آغاز مردم را بی توجه به وابستگی مذهبی شان به وحدت ملی فرا خواندند، گفتنی است که بسیاری از رهبران برجسته جنبشهای ملی عربی، مسیحی بودند بویژه در مناطق مهم جهان عرب همچون سوریه و لبنان. کوتاه سخن این که نظریه پردازان ناسیونالیسم در مطبوعات عربی آن زمان با پذیرش مفاهیم اسلامی مخالفت می‌کردند، نقل قولی از روزنامه «المفید» نوامبر ۱۹۲۳ را در اینجا می‌آوریم که توفیق علی بیرو آن را در کتاب خود آورده است: «بگذار اندیشه‌ی ناسیونالیسم عرب به دین نوین عربها بدل شود».^(۳)

سید ابوالحسن علی ندوی رحمته الله آثار طرز تفکر ملی و ناسیونالیستی در سوریه و عراق را در کتاب خود «الصراع بین الفکر الاسلامیة و الفکر الغریبة» این چنین بررسی می‌کند: «این دو کشور حاصلخیز و ثروتمند اسلامی که اکثریت قاطع ساکنان آنها را مسلمانها تشکیل می‌دهند و قسمت بزرگی از تمدن و فرهنگ اسلامی را در اختیار دارند و مدت زیادی پایتخت و مرکز خلافت ملت مسلمان به شمار می‌آمدند در مدت کوتاهی که از

۱- مرجع سابق، ص: ۵۷

۲- مباحث کشورها و سازمانهای بین المللی / وزارت امور خارجه، ص: ۱۲

۳- اندیشه‌ها و جنبش‌های نوین سیاسی اجتماعی در جهان غرب، ص: ۱۳۹، ز.ا. لویس

چنگال استعمار فرانسه و انگلیس رهایی یافتند محل مناسبی برای کشمکشهای سیاسی و اقتصادی غرب شده‌اند؛ همواره هیئت حاکمه و طبقه تحصیلکرده آتش ملیت و نژاد پرستی را دامن زده، روح غرب زدگی و سیستم لائیکیتی را درکالبد آنها دمیده از گرایش به مذهب و اخلاق کاستند، هم اکنون از فروغ مذهب کاسته و سیطره دین به سستی گراییده و موقعیت دانشمندان مذهبی در خطر است، آزادی و بی‌بندوباری بانوان با سرعت شگرفی پیش رفته؛ مجالس و مدارس مختلط رواج کامل یافته؛ مظاهر بی دینی سایه شوم خود را بر اجتماع گسترانیده است.

بهترین دلیل این گفتار، سیطره طولانی «حزب سوسیالیست بعث» بر کشور سوریه و تسلط یافتن آن بر کشور عراق می‌باشد.

این حزب معتقد است که همه ملت عرب دارای وحدت فرهنگی واحدی است و همه اختلافات و تمایزات (حتی اختلافات مذهبی) جنبه‌ی عارضی و موقتی دارد که با بیداری وجدان عربی همه آنها از بین خواهد رفت، تئورسین و مغز متفکر این حزب «میشل عفلق» مسیحی است.^(۱)

علوی‌ها معتقدند که حزب بعث توسط یک شخص علوی مذهب به نام زکی ارسوزی در اوایل دهه چهل بوجود آمد، اما تاریخ نگاران بنیان گذار اصلی حزب بعث را میشل عفلق می‌دانند.^(۲)

سید ابوالحسن ندوی در کتاب خود «مستقبل الامة العربیة» نسبت به اهداف این حزب و ماهیت بنیان گذار آن چنین اظهار نظر می‌کند: «میشل عفلق که بنیان گذار این حزب است فردی مسیحی از سوریه بود که در آخر به عراق رفت در بین مردم شایع شد که در آخر عمرش مسلمان شده است (آنها بخاطر مصلحتی که حکام عراق می‌دانند).

شعار این حزب: «العرب امة واحدة ذات رسالة واحدة...» است و با این حرکت می‌خواهد عرب را به اصلش، عهد ما قبل اسلام یعنی عهد جاهلیت و به زمانی که این دین جدید (اسلام) و این پیامبر جدید (محمد) به میانشان راه نیافته بود، برگرداند.^(۳)

میشل عفلق در کتاب خود «فی سبیل البعث» چنین می‌گوید: «ما اینک یک امت هستیم، این امت در راه

رسیدن به شکوفایی است. بطور اتفاقی تولد این امت با اسلام آغاز شد؛ چیزی که منطبق و اپسگرایی و عقب ماندگی را تقویت می‌کند و می‌خواهد ما را یک حزب دینی بگرداند اما ما این گونه نیستیم و ما تنها راه تغییر امت و بنای جدید آنرا در حزب بعث عربی سوسیالیستی می‌دانیم.»

محققین بر این باورند که طراحی این حزب، یک حرکت بسیار دقیق و عمیقی از طرف صلیبی‌هاست، حرکتی که قصد دارد با دقت و زیرکی هر چه تمامتر رشته پیوند عربها را از اسلام بگسلد و عرب بودن را بجای مسلمان بودن و وحدت عربی را به جای وحدت اسلامی بر سر کار آورد.

آثار عملی این حرکت را می‌توان در تخریب مساجد و محدود ساختن فعالیت‌های مذهبی و سرکوبی حرکت‌هایی مانند اخوان المسلمین و مجبور ساختن بسیاری از شخصیتها و دانشمندان اسلامی به ترک وطن خود در زمان حافظ اسد مشاهده نمود.^(۴)

این حزب در پی کودتایی علیه شیشکلای رئیس جمهور وقت سوریه بطور فعالانه وارد صحنه سیاسی شد و در کودتای هشتم مارس با روی کار آمدن حافظ اسد توانست زمام امور را به بدست گیرد.^(۵)

از احزاب سیاسی دیگر می‌توان حزب کمونیست سوریه، حزب اتحاد سوسیالیست عرب، حزب جنبش سوسیالیست‌های عرب، حزب وحدت گرای سوسیالیال دموکرات، جبهه ترقی خواه سوریه را در این ردیف نام برد.

نهضت اخوان المسلمین

اولین شعبه اخوان المسلمین در دمشق در سال ۱۹۳۷ گشوده شد. شاید این سؤال مطرح شود که چرا نخستین شعبه در دمشق دایر گردید؟ به احتمال قوی جنبش در دمشق به کمک دانشجویان سوری تحصیل

۱- نبرد ایدئولوژیک، ص: ۲۰۵-۲۰۶-۲۰۷، سید ابوالحسن ندوی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ
 ۲- مباحث کشورها و سازمان‌های بین المللی، ص: ۱۰۶
 ۳- نبرد ایدئولوژیک، ص: ۲۰۷، سید ابوالحسن ندوی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ
 ۴- اقتباس از مستقبل الامة العربیة بعد حرب الخلیج، سید ابوالحسن ندوی ص: ۵۸
 ۵- مباحث کشورهای، ص: ۱۰۷

کرده در مصر که در دوران تحصیل به عضویت اخوان آمده بودند، شکل گرفت. اخوان المسلمین با دانشجویان عربی که در مصر تحصیل می‌کردند با ملاطفت و مهربانی خاصی رفتار می‌کردند و هیچگونه فرقی بین آنها و اعضای مصری اخوان قایل نبودند. در اینجا بود که ارتباط پر مهر و محبت اخوان المسلمین مصر و شاگردان عرب برقرار گردید. این دانشجویان بعدها مبلغین مشتاق و مؤمن اخوان المسلمین در کشورهای خود می‌شدند. پس از ترور حسن البنا رحمته الله و تعطیل شدن شعبه‌های اخوان در مصر، رهبری سازمان مصلحت دید که اداره‌ی مرکزی را به دمشق منتقل سازد، برخی از اعضای اخوان المسلمین پستهای رده بالای حکومت سوریه را احراز کردند و به نمایندگی مجلس رسیدند.

در سال ۱۹۳۷ گروه کوچکی از جوانان سوری مرکب از دانشجویان دانشگاهها و طلاب علوم دینی تصمیم گرفتند مسؤلیت جنبش اخوان المسلمین را در سوریه به عهده بگیرند، آنها می‌خواستند تحت همان عنوان، اما به علت خشونت رژیم مجبور شدند تحت عناوین مستعار فعالیت کنند. انجمن دارالارقم که در حلب تأسیس گردید و سپس انجمن جوانان مسلمان دمشق، انجمن رابطه در حمص، انجمن مکارم در اورشلیم، انجمن اخوان المسلمین در حما و انجمنهای دیگری در طرابلس، دیرالزور، لاذقیه و بیروت برپا شدند.

این انجمنها که نامهای متعددی داشتند با جنبشهای ناسیونالیستی، عربی و اسلامی در ارتباط بودند، آنها یکدیگر را به نام شباب محمد می‌شناختند.

انجمنهای مذکور نشستهای متعددی ترتیب می‌دادند، در سالهای پر آشوب و مصیبت جنگ جهانی دوم برگزاری کنفرانسها غیر ممکن شد، در سال ۱۹۴۴ در کنفرانسی که در حلب برگزار گردید تصمیم بر آن شد که اداره‌ی مرکزی آن شهر منحل و کمیته مرکزی عالی مرکب از نمایندگان تمامی مراکز در دمشق تشکیل گردد. قرار بود کمیته‌ی مرکزی مذکور دارای دفتری دائمی به ریاست سرپرست کل - شیخ مصطفی السباعی - گردد و جلسات منظمی برگزار نماید قرار شد تمامی انجمنهای پراکنده تحت عنوان «اخوان المسلمین» گرد آمده و آیین نامه خود را یکی نماید.

پس از وحدت مراکز سوریه و لبنان در اهداف و

عنوان با اخوان امصر در سال ۱۹۴۶ کنفرانس در یبرد تشکیل گردید کمیته مرکزی پیش از پایان کار کنفرانس گروهی از اعضای دمشق را فرا خواند و تصمیمات قطعنامه را برای ایشان قرائت کرد.

در میان این تصمیمات موارد زیر به چشم می‌خوردند:

الف: اعزام گروههای آموزشی متشکل از دانشجویان وابسته به گروه به مصر و اروپا برای تحصیل.

ب: تشکیل کمیته‌هایی برای رسیدگی به امور و مسایل کشورهای عرب و جهان اسلام و کمیته‌ی ویژه‌ای برای رسیدگی به مسأله فلسطین گردد...

ج: تشکیل کمیته‌ای برای آرایه روشهای عملی برای بالا بردن سطح زندگی روستائیان و کشاورزان

اهداف و برنامه‌های اخوان المسلمین سوریه نیز اعلام گردید که از آن جمله است:

الف: آزادی و اتحاد ملت و تنظیم قوانین اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی بر مبنای اسلامی

ب: اخوان المسلمین حزبی چون احزاب دیگر نیست و هدف آنان نه تبلیغ شعارهای اصلاح طلبانه بلکه اصلاح عملی است، اصلاحی که از ویژگیها و بینش دینی مقدس ملت بر می‌خیزد.

در طی جنگ فلسطین گردانی رزمی به فرماندهی شیخ مصطفی السباعی سرپرست کل اخوان المسلمین سوریه تشکیل شد.

در طی دوران حکومت نظامی که از سال ۱۹۵۰ در سوریه آغاز شد اخوان المسلمین با آزادی نسبی به فعالیت خود ادامه دادند تا زمانی که در سال ۱۹۵۲ انحلال آنها به اتهام داشتن رویکردهای سیاسی اعلام شد. (۱)

و از آن به بعد حساسیت دولت نسبت به فعالیتهای این حرکت بالا گرفت، کنترل شدیدی بر مساجد و مراکز مذهبی اعمال شد و متأسفانه فشارها و سختیهای عجیبی بر شخصیتهای این حرکت و حرکتهای دینی دیگر وارد شد؛ هم اکنون وضعیت به جایی رسیده که برگزاری اجتماعات دینی و ایجاد ارتباط بین یکدیگر،

۱- اخوان المسلمین، دکتر اسحاق موسی الحسینی، ص: ۱۳۵ تا ۱۴۰

مشکلات فراوانی را در بر دارد.

گروهی از جماعت تبلیغ که در سال ۱۳۸۰ به سوریه سفر کرده بودند وضعیت شهرهای دمشق و حلب را چنین بیان کردند که تماس گرفتن با مقتدیان مساجد حتی در محوطه مسجد بسیار مشکل بود.

آنها با وجود این که با ما محبت و علاقه داشتند اما جرأت گفتگو و تماس با ما را نداشتند آنها از دور با حسرت به ما نگاه می‌انداختند و می‌رفتند! سنت حضرت علی رضی الله عنه و ابوذر رضی الله عنه در آنجا زنده می‌شود یعنی ما از فاصله‌ی دور پشت سر آنها حرکت می‌کردیم و آنها از دور به ما علامت می‌دادند تا این که به خانه هر یک از آنها می‌رسیدیم.

اینجا باید از خود پرسید چرا و چگونه در سرزمینهایی که مرکز اسلام و علوم اسلامی بوده‌اند امروزه مسلمانان آزادی کامل برای بیان خواسته‌های خود و فعالیت برای اجرای قوانین اسلام را ندارند؟ چرا ابتکار عمل به دست اسلام‌گرایان نیست و چرا مسلمانان حق ندارند در صحنه حضور پیدا کنند؟

در پاسخ گر چه عوامل و توطئه‌های خارجی را می‌توان از علل و اسباب این دگرگونی ذکر کرد اما آیا فقط باید گناه را گردن بیگانگان انداخت و خویشتن را تبرئه کرد؟ مسلماً غفلت عمومی مسلمین از وظیفه و رسالت خود در اصلاح جامعه و کوتاهی در ایجاد فضاهای ایمانی و اسلامی عامل اصلی در این تراژدی است، ما در عصری که نسل جدید ما از هر طرف و به هر نحو در معرض تبلیغات فرهنگهای دیگر قرار گرفت قیام همگانی نکردیم و فقط به حرکت‌هایی توسط عده‌ی مخصوصی و یا فقط به انجام شعائر مذهبی اکتفا کردیم، مسلمانان فضاهای خوبی برای نسل مسلمان و اقشار مختلف بوجود نیاوردند در نتیجه اقشار بسیار مهمی از مسلمانان از دین فاصله گرفتند.

تاریخ صدر اسلام نشان می‌دهد وقتی مسلمانان به صورت اجتماعی و همگانی به انجام وظیفه و رسالت اصلی خویش می‌پرداختند و در راه ایمان و عمل سختیها و گرسنگی‌ها را تحمل می‌کردند صاحب ابتکار عمل در دنیا بودند.

اینک گمان می‌رود این روزهای حساس تاریخ روزهای بیداری و فداکاری مسلمانان از سرتو و آغاز

فصل جدیدی در تاریخ این امت خواهد بود، زیرا هنوز شعله‌هایی زیر خاکسترها سو سو می‌کند و هنوز احساسات ایمانی این امت بطور کلی از بین نرفته است، کافی است به سراغ این شعله‌ها برویم و با جلا بخشیدن آنها شاهد نورانی شدن فضاهای تاریک در همه گوشه‌های جهان شویم و به دنبال آن جمع شدن پروانه‌وار مردم را با چشمان خود مشاهده کنیم.

نفوذ و اهمیت اسلام در میان مردم سوریه

اگر چه اسلام فعلاً در صحنه‌ی سیاسی ابتکار عمل را بدست ندارد اما نفوذ اسلام و فرهنگ اسلامی در مردم این کشور بسیار قوی است. اسلام سازنده تاریخ این کشور در ۱۴ قرن اخیر بوده است، مهمتر این که اسلام در این کشور خلاقیت فرهنگی را موجب شده است، بسیاری از علماء و دانشمندان بزرگ اسلامی از این سرزمین بیا خاسته‌اند و آثار و یادگارهای تاریخی این سرزمین حاکی از سطح عالی فرهنگ اسلامی است.

همچنین نفوذ عمیق اسلام در زندگی روز مره توده مردم قابل رؤیت است. سوریه مراکز بسیار بزرگ و دانشگاه‌های وسیعی در علوم اسلامی دارد و شخصیت‌های کم نظیری را در خود جای داده است.

مساجد در همه شهرها به کثرت وجود دارد و به لحاظ نفوذ فرهنگ اسلامی و نیز علاقمندی مردم به دین در سوریه با مقایسه با دیگر کشورهای عربی منطقه مستحکمتر است.

تمایز بین توده مردم و تحصیلکرده‌ها در مورد ایمان به اسلام در سوریه کمتر به چشم می‌خورد. درصد زیادی از تحصیلکردگان سوری مسلمان متعهدند و مهمتر این که تحصیل دانش به معنای بی دینی و یا بی اعتنایی به دین نیست. (۱)

با وجود محدودیتهایی از طرف مقامات دولتی این کشور نسبت به حرکت‌های اسلامی و فعالیت مذهبی اعمال می‌شود، احساسات مذهبی عجیب و غریبی در مردم مسلمان این سرزمین مشاهده می‌شود، با این وصف وظیفه‌ی هر مسلمان است که نسبت به عموم مسلمانان جهان و مخصوصاً مسلمان عزیز سوریه

۱- مباحث کشورهای...، ص: ۲۸

ایشان بالای قبر نوشته شده است، ایشان کسی است که در عهد رسول اکرم ﷺ اکثر اذان فجر می گفت. (۴)

قبر حضرت ام المؤمنین ام حبیبیه

با فاصله کمی از قبرستان الباب الصغیر آرامگاه حضرت ام المؤمنین ام حبیبیه قرار دارد. نزدیک قبر ام المؤمنین ام سلمه ام سلمه است. مردم معتقدند که این قبر مال ام سلمه ام المؤمنین است اما آمدن حضرت ام سلمه به دمشق بعید به نظر می رسد. طبق تحقیق شمس الدین ذهبی در «سیر اعلام النبلاء» معلوم می شود این قبر مال اسماء بنت یزید است و چون کنیه او هم ام سلمه بوده است مردم او را با ام سلمه ام المؤمنین اشتباهی گرفته اند. (۵)

آرامگاه حضرت زینب بن علی

آرامگاه خواهر حضرت حسین ﷺ حضرت زینب بن علی ﷺ در غوطه (۶) از نواحی دمشق است، یک قبر به نام حضرت زینب (رض) در مصر وجود دارد اما رفتن حضرت زینب به مصر از روایات مستند ثابت نیست البته بعد از واقعه کربلا آمدن حضرت زینب به دمشق ثابت است. (۷)

مقبره دحیه کلبی

در موزه قبر صحابی مشهور حضرت دحیه کلبی (رض) وجود دارد کسی که در حسن و جمال یگانه روزگار بود و هر گاه که حضرت جبرائیل به شکل انسانی در می آمد شکل دحیه را اختیار می کرد.

احساس مسؤولیت داشته باشد و هر کس به اندازهی توانایی اش در تقویت و استفاده خوب از نیروهای این سرزمین سهیم باشد.

سوریه مدفن انبیاء و صحابه

با بررسی حالات انبیاء معلوم می شود بیشتر انبیا در شام (سوریه) دنیا آمده اند و قاسیون از کوههای دمشق مرکز تبلیغ و دعوت آنها بوده است.

حضرت ابراهیم علیهما السلام دمشق را دارالهجرة خویش قرار داد.

در داریا روستایی در سوریه مقبره ای وجود دارد که مشهور است یک پیامبر بنی اسرائیل بنام حزقیل در آنجا مدفون است. (۱)

در صحن مسجد اموی (مسجدی که یکی از شاهکارهای معماری اسلامی به شمار می رود) مقبره ای وجود دارد که گفته می شود سر حضرت یحیی در آنجا دفن شده است.

در دمشق در قبرستان قدیمی که قبرستان «الباب الصغیر» نام دارد تعداد بی شماری از صحابه و تابعین مدفون هستند.

می گویند هنگامی که مسلمانان دمشق را فتح کردند صحابه زیادی در دروازه دمشق شهید و همانجا دفن شدند بعداً همین قسمت را قبرستان عمومی قرار دادند. اسم آنجا در اوائل «توما» بود بعداً به «الباب الصغیر» یا ظاهر دمشق نامگذاری شد. (۲)

فهرست اصحابی که در این قبرستان دفن شده اند خیلی زیاد است در اینجا به ذکر چند تن از آنها اکتفا می شود:

مقبره بلال حبشی

در مورد مقبره حضرت بلال سه نظر وجود دارد؛ نظر اول این که مقبره ایشان در دمشق است طبق نظر دوم مقبره ایشان در حلب است و نظر سوم این است که مقبره ایشان در روستایی بنام داریا است، علما نظر اول را ترجیح می دهند و معتقدند که ایشان در «الباب الصغیر» قبرستان دمشق مدفون است. (۳)

قبر حضرت ابن ام مکتوم

تزدیک قبر بلال قبر عبدالله بن ام مکتوم قرار دارد. نام

- ۱- جهان دیده، علامه محمد تقی عثمانی
- ۲- تهذیب تاریخ ابن عساکر، ص: ۲۶۴، ج: ۱
- ۳- جهان دیده، علامه محمد تقی عثمانی، ص: ۲۶۰
- ۴- جهان دیده
- ۵- جهان دیده
- ۶- غوطه در زمان قدیم از نواحی دمشق بود که از نظر زیبایی و حسن منظر ضرب المثل شده بود (معجم البلدان للحموی)
- ۷- جهان دیده، علامه محمد تقی عثمانی، ص: ۲۵۶